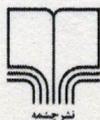


تمام خاطرہی دنیا

مصاحبہ ہا با آلن رنہ

ترجمہ و گردآوری عظیم جابری



.....	۵۵۲
.....	۵۵۲
.....	۶۶۱
.....	۶۶۱
.....	۶۷۱
.....	۶۷۱
.....	۶۷۱
.....	۶۸۱

فهرست

.....	مقدمه	۷
.....	در قامت عشق	۹
.....	الن رنه: یک زندگی	۱۵
.....	بخش اول: مصاحبه‌ها با الن رنه	۱۹
.....	فرم باید از پیش وجود داشته باشد	۲۱
.....	مارکر موجودی فوق‌زمینی است	۳۹
.....	تبعید تمام شده است	۴۳
.....	هیچ وقت ایده‌ای نداشته‌ام، معمولاً تهیه‌کننده‌ها به سراغم می‌آیند	۴۹
.....	مسیرهای اتفاق	۵۵
.....	آن‌ها که فیلم را می‌سازند و آن‌ها که فیلم را می‌بینند باید از آن لذت ببرند	۶۳
.....	من فرمالیستی اصلاح‌ناشدنی‌ام	۷۱
.....	اگر نوستالژی وجود دارد، من به دنبال تسهیل‌کردنش نیستم	۷۷
.....	کاش من را در جهنم آدم‌های بی‌خیال بیندازند	۹۱
.....	دوست دارم تماشاگر آزاد باشد	۹۵
.....	آکروبات بازی در آسمان	۹۹
.....	در واقع باید در شانزده‌سالگی می‌مردم	۱۱۱
.....	همه‌ی ما علف‌هایی وحشی هستیم	۱۱۷
.....	می‌خواهم عواطف را منتقل کنم	۱۲۱
.....	سینما گورستانی زنده است	۱۲۳
.....	دوست داشتن، نوشیدن و فیلم ساختن	۱۲۷
.....	بخش دوم: پیوست‌ها	۱۳۳
.....	هیروشیما، عشق ما	۱۳۵

۱۵۵	تجربه‌ی زمان
۱۵۹	ال نرنه از نگاه مدیر فیلم برداری اش
۱۶۳	از هجده سالگی خواب اوریدیس را می دیدم
۱۶۷	پیوسته در حال نوآوری بود
۱۷۱	فرم یعنی بازیگر
۱۷۷	درون اتاق بچه
۱۸۳	او به سوی زندگی می رفت



در قامت عشق*

قلبی که به شکل چراغ راهنما در حال تپیدن است. این اولین تصویر عمومی آمریکایی من^۱ (برنده‌ی جایزه‌ی کن در ۱۹۸۰) است. این تصویر شاید مظهر سینمای آلن رنه هم باشد که خیلی زود صفاتی مانند «ذهنی»، «اثیری» و «تجربی» به آن نسبت دادند، در حالی که او در فیلم‌ها دائماً تأثرات را به تصویر کشیده و مطرح کرده است. صرف عنوان‌ها (هیروشیما، عشق من، دوست دارم، دوست دارم^۲ (۱۹۶۸)، عشق تاپای مرگ^۳ (۱۹۸۴)، قلب‌ها^۴ (۲۰۰۶)، دوست داشتن، نوشیدن و آواز خواندن^۵ (۲۰۱۴)) تداوم پنهانی فیلم‌شناسی‌ای را نشان می‌دهد که غالباً دوست داریم آن را به چند بخش تقسیم کنیم: فیلم‌های جدی ابتدایی در مقابل فیلم‌های سبک در آخر؛ فیلم‌های مرتبط با دوران‌شان (هیروشیما، عشق من، موریل یا زمان یک بازگشت^۶ (۱۹۶۳))، جنگ تمام شده است^۷ (برنده‌ی جایزه‌ی لویی دولوک^۸ در سال ۱۹۶۶)، عمومی آمریکایی من، تصنیف را بلدیم^۹ (۱۹۹۷)) در مقابل فیلم‌هایی در سبک قدیم یا حتی از مدافاده (استاویسکی^{۱۰} (۱۹۷۴)، ملو^{۱۱} (۱۹۸۶))، نه بر لب‌ها^{۱۲} (۲۰۰۳)).

زیر برف و خاکستر

رنه به دنبال این بود که نه تنها در احساسات کندوکاو کند، بلکه مضمونی ملموس و کاملاً سینمایی به آن‌ها

* یادداشت ژواکیم لوپاستیه (Joachim Lepastier) در مجله‌ی کایه دو سینما، شماره‌ی ۶۹۹، آوریل ۲۰۱۴.

- | | | | |
|-----------------------------------|--|-------------------------------|------------------------------|
| 1. <i>Mon Oncle d'Amérique</i> | 2. <i>Je t'aime, Je t'aime</i> | 3. <i>L'Amour à mort</i> | 4. <i>Coeurs</i> |
| 5. <i>Aimer, boire et chanter</i> | 6. <i>Muriel ou le Temps d'un retour</i> | 7. <i>La Guerre est finie</i> | 8. <i>Louis Delluc</i> |
| 9. <i>On connait la chanson</i> | 10. <i>Stavisky</i> | 11. <i>Melo</i> | 12. <i>Pas sur la bouche</i> |